# سرقت‌های سریالی برای اجاره ویلا و خودروی لوکس

**گروه حوادث/ سارق سابقه‌دار که عاشق زندگی لاکچری و سوار شدن بر خودروهای لوکس بود در پوشش مأمور قلابی از رانندگان باربری سرقت می‌کرد.**

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مدتی قبل رهگذران در حال عبور از اطراف بزرگراهی در خارج از تهران بودند که مرد جوانی را دست و پا بسته در کنار یک خودروی وانت نیسان پیدا کردند. با تماس رهگذران، بلافاصله مأموران راهی محل شدند که مرد جوان در تحقیقات گفت: برای یک شرکت فروش لوازم خانگی کار می‌کنم. صبح امروز از شرکت چند دستگاه تلویزیون بار زدم تا به خانه مشتریان برسانم. بین راه، خودرویی با سه سرنشین از من خواست نگه دارم.

او ادامه داد: سرنشینان خودرو، مدعی شدند که مأمور هستند و احتمال می‌دهند که بار خودروی من سرقتی باشد. هر چه اصرار کردم که من راننده یک شرکت معتبرم قبول نکردند و مرا سوار خودروشان کرده و یکی از آنها هم پشت فرمان خودروی من نشست. خودروها به حرکت درآمد و بعد از طی مسافتی، یکی از آنها با تهدید دست و پایم را بست و سرم را زیر صندلی کرد. تازه آن موقع بود که متوجه شدم در دام مأموران قلابی گرفتار شده‌ام. آنها به خارج از شهر رفته و مرا از داخل خودروشان به بیرون پرتاب کردند. همزمان هم یکی دیگر از متهمان، خودروام را آورد اما هیچ باری داخل آن نبود و تلویزیون‌ها را سرقت کرده بودند.به دنبال شکایت مرد جوان، تحقیقات پلیسی آغاز و در ادامه بررسی‌ها کارآگاهان با شکایت‌های مشابه دیگری مواجه شدند. شاکی‌ها همگی رانندگان خودروهای وانت و نیسان باربری بودند که وسایل‌شان از سوی مأموران قلابی سرقت شده بود. مأموران در نخستین گام به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت‌ها و رها کردن مالباخته‌ها پرداخته و بدین ترتیب تصویر سه مرد مأمورنما به دست آمد با این احتمال که متهمان، سارقان سابقه دار هستند، مأموران به سراغ آلبوم متهمان اداره آگاهی رفته و با تطبیق چهره متهمان، موفق به شناسایی هویت آنها شدند و در عملیاتی ویژه سه مرد جوان را بازداشت کردند.

## مالباخته‌ای که متهم شد

یکی از مالباخته‌ها مدتی بعد از دستگیری اعضای باند به پلیس مراجعه کرد و گفت: مردان مأمورنما، وقتی خودروام را سرقت کردند، مدارک شناسایی‌ام را نیز با خود بردند. چند روز قبل از پلیس یکی از شهرستان‌های شمالی با من تماس گرفته و مدعی شدند که من به اتهام سرقت از خانه‌های ویلایی شمال کشور تحت تعقیب هستم. با این تماس خودم را به شهر مورد نظر رسانده و در تحقیقات مشخص شد که سارقان بعد از اینکه مدارک مرا سرقت کرده بودند راهی شهرهای شمالی شده و با هویت من ویلا اجاره کرده‌اند اما بعد از اجاره ویلا، وسایل داخل آن را سرقت و فرار کرده‌اند. با اظهارات مرد جوان، تحقیقات از متهمان ادامه یافت و آنها به سرقت از خانه‌هایی ویلایی و سرقت خودروهای مدل بالا نیز اعتراف کردند. متهمان در اختیار کارآگاهان پلیس قرار داده شده و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

## گفت‌وگو با سردسته باند

رامین، یکی از متهمان که مردی خوش قیافه و بلند قد است با همدستانش پشت میله‌های زندان آشنا شده و همان‌جا هم بود که نقشه سرقت بعد از آزادی را طراحی کردند.

**■ ماجرای سرقت از ویلاها و خودرو چه بود؟**

با مدارک شناسایی که از مالباخته‌ها سرقت می‌کردیم راهی شهرهای مختلف می‌شدیم و ویلا و خودروهای لاکچری و لوکس کرایه می‌کردیم. اگر سوژه ویلا بود که همان شب اول، هر چه داخل ویلا بود سرقت کرده و با خودمان می‌بردیم. مالک ویلا زمانی که متوجه سرقت می‌شد علیه صاحب مدارکی که ما در اختیارش قرار داده بودیم شکایت می‌کرد، غافل از اینکه مدارک سرقتی هستند. گاهی اوقات هم خودرو اجاره می‌کردیم. با خودروهای سرقتی در سطح شهر دور دور می‌کردیم و بعد از اینکه بنزین‌شان تمام می‌شد خودروها را رها می‌کردیم.

**■ چرا سرقت می‌کردید؟**

من در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمدم و مجبور شدم خیلی زود درس و مدرسه را کنار بگذارم و دستفروشی کنم. بعد هم با کسانی دوست شدم که مرا معتاد کردند. کم کم خرج موادم بالا رفت و مجبور شدم برای تهیه مواد دست به سرقت بزنم، اما از همان دوران کودکی دو آرزو داشتم؛ اول اینکه دوست داشتم پلیس شوم و به همین خاطر به عنوان مأمور دست به سرقت می‌زدم و چون قیافه و قد و قامتم به مأموران ورزیده می‌خورد کسی شک نمی‌کرد. دومین آرزویم این بود که سوار خودروهای لاکچری شوم و در خانه‌های اعیانی و مبله زندگی کنم که این آرزو هم به لطف مدارک سرقتی راننده‌ها برآورده شد.

**■ با اموال سرقتی چه می‌کردی؟**

وسایل را در سایت‌های اینترنتی با مبالغی پایین‌تر می‌فروختیم و خرج تفریحات‌مان می‌کردیم.

# شکایت به خاطر عطسه کرونایی

**گروه حوادث/** مرد میانسال که پدرش بر اثر ابتلا به کرونا جان باخته است با مراجعه به دادسرای جنایی تهران از دوست پدرش به‌خاطر عطسه شکایت کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مرد میانسالی به شعبه پنجم دادسرای امور جنایی پایتخت مراجعه و از دوست پدرش در حالی شکایت کرد که او را عامل مرگ پدرش می‌دانست.

مرد میانسال گفت: اوایل فروردین سال گذشته، پدر ۸۰ ساله‌ام به کرونا مبتلا شد و یک روز بعد از بستری در بیمارستان فوت کرد. بعد از مرگ پدرم همیشه تصور می‌کردیم ابتلای او به ویروس کرونا یک اتفاق ناخواسته بوده است تا اینکه چند روز قبل یکی از دوستان پدرم، اطلاعاتی را در اختیارمان قرار داد که به نظر می‌رسد ابتلای پدرم به کرونا و مرگ او عمدی بوده باشد.

او ادامه داد: پدرم با مردی به نام جبار اختلاف مالی داشت. یک روز قبل از اینکه پدرم به ویروس کرونا مبتلا شود، به دیدار جبار رفته بود تا در رابطه با اختلاف مالی‌شان صحبت کند. اما به گفته دوست پدرم، جبار روزی که با پدرم قرار داشته است، مبتلا به کرونا بوده و در محل قرار، تعمدی به صورت پدر من عطسه کرده است. با این کار او قصد داشته پدرم کرونا بگیرد و به این طریق او را از سر راهش بردارد. حالا من از جبار به خاطر دست داشتن در مرگ پدرم شکایت دارم.

با شکایت مرد میانسال، بازپرس جنایی دستور بررسی پرونده بالینی پیرمرد و تحقیقات از جبار را صادر کرد.

# مقتول مهدورالدم نبود قاتل دوباره محاکمه شد

**گروه حوادث/** جلسه رسیدگی به پرونده پسر جوانی که مدعی است دوستش را به خاطر اینکه وی را مورد آزار و اذیت قرار داده به قتل رسانده در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد که حکم مهدورالدم بودن مقتول از سوی دیوان عالی کشور نقض شده بود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با گزارش قتل پسری ۱۹ ساله آغاز شد. در ادامه شاهدان به مأموران گفتند این پسر قبل از مرگش در حالی که با چاقو زخمی شده بود و به سختی حرف می‌زد، عنوان کرده که دوستش بهرام او را مجروح کرده است.

بدین ترتیب مأموران شناسایی و بازداشت بهرام را در دستور کارشان قرار دادند تا اینکه موفق شدند وی را در خانه‌اش دستگیر کنند.

بهرام پس از دستگیری و در همان بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و درخصوص انگیزه‌اش گفت: با اینکه من ۳ سال از مقتول کوچک‌تر بودم، اما با هم دوست بودیم و او همیشه به من بیش از حد محبت می‌کرد تا اینکه یک روز از من خواست به خانه‌اش بروم من هم قبول کردم اما او آزارم داد و از من فیلم گرفت و از آن روز به بعد دیگر زندگی عادی نداشتم.

به طوری که چندبار می‌خواستم خودکشی کنم. بارها از او خواهش کردم تا فیلمی که از من گرفته را پاک کند اما او قبول نمی‌کرد و با همان فیلم مدام تهدیدم می‌کرد. روز حادثه با او قرار گذاشتم تا فیلم را از او بگیرم اما باز هم او حاضر نشد فیلم را پاک کند یا به خودم بدهد که همین موضوع سبب شد با هم درگیر شویم و من هم از شدت عصبانیت با چاقو ضربه‌ای به شکمش زدم و او را کنار خیابان انداختم و رفتم.

بعد از اعترافات متهم و تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه دادگاه پدر و مادر مقتول به عنوان اولیای دم درخواست قصاص کردند و پدر مقتول به جایگاه رفت و گفت: به خاطر تهمتی که متهم به پسر ما زده، به هیچ عنوان حاضر به گذشت نیستیم.

در ادامه متهم به جایگاه رفت و گفت: من قبول دارم که وی را کشتم، اما او من را آزار داده و از من فیلم گرفته بود. با آن فیلم از من اخاذی می‌کرد و با زور به من می‌گفت که باید حرف‌هایش را گوش کنم وگرنه فیلم را منتشر می‌کند و به همه دوستان مشترک‌مان می‌گوید که چه اتفاقی بین ما افتاده است. روز حادثه وقتی به او چاقو زدم، گوشی را برداشتم و رفتم.

قاضی گفت: با توجه به اظهارات شما نه گوشی پیدا شده و نه فیلمی که مدعی هستی از تو گرفته‌اند.

متهم جواب داد: گوشی را به دوستم دادم تا قفلش را باز و فیلم را پاک کند، اما نتوانست. به‌همین‌خاطر گوشی را شکستم و به داخل یک رودخانه انداختم.

با پایان جلسه دادگاه و بر اساس مستندات پرونده قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و حکم به مهدورالدم بودن مقتول دادند که این حکم با اعتراض اولیای دم همراه شد و پرونده برای رسیدگی به دیوان عالی کشور رفت.

در دیوان هم قضات پس از بررسی پرونده حکم را نقض و برای تحقیقات بیشتر اعلام کردند که بایستی مراودات مالی متهم و مقتول مورد ارزیابی دقیق‌تری قرار گیرد و در نهایت پس از تحقیقات تکمیلی صبح روز گذشته آخرین جلسه رسیدگی به این پرونده به صورت غیرعلنی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد پس از اینکه متهم آخرین دفاعیات خود را مطرح کرد، قضات با بررسی مستندات پرونده برای صدور حکم وارد شور شدند.

# قتل مرد غریبه در راه پله

**گروه حوادث/** مرد جوان وقتی نیمه‌شب یک غریبه را در خانه‌اش دید او را به قتل رساند و متواری شد اما همسرش راز این جنایت را برای پلیس فاش کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مأموران پلیس کرج در جریان قتل مردی جوان در یک خانه قرار گرفتند. وقتی تیم جنایی به محل رسید در نخستین بررسی‌ها مشخص شد بهنام ۳۲ ساله که از ناحیه کمر به شدت زخمی شده بود پس از انتقال به بیمارستان جان باخته است.

در ادامه تحقیقات به دستور محمد عنبری، بازپرس شعبه یکم دادسرای جنایی کرج، زن جوانی که در خانه حضور داشت تحت بازجویی قرار گرفت. وی که نخست مدعی بود مقتول نامزدش بوده است وقتی خود را مقابل مأموران پلیس دید به ناچار لب به بیان حقیقت گشود و گفت: همسرم این مرد را کشته است. من مدتی قبل وقتی پسرم را برای بازی و گردش به پارک می‌بردم با بهنام آشنا شدم. او هم دخترش را به پارک می‌آورد. بعد از مدتی کم‌کم با هم ارتباط بیشتری پیدا کردیم و او به من ابراز علاقه کرد. می‌گفت با همسرش مشکل و اختلاف دارد و می‌خواهد طلاقش بدهد. از آنجا که شوهر کارگر من از صبح تا شب سرکار بود و توجهی به من نداشت کم‌کم احساس کردم بهنام می‌تواند همصحبت خوبی برایم باشد. وقتی او به من پیشنهاد داد از شوهرم جدا بشوم و با او ازدواج کنم حرف‌هایش را باور کردم. تا اینکه یک شب از من خواست برای صحبت درباره آینده و وضعیت زندگی و بچه‌هایمان به خانه ما بیاید، من هم قبول کردم. شوهرم همیشه خسته بود و شب‌ها زود می‌خوابید این شد که پسرم را خواباندم و در کوچه را باز گذاشتم تا بهنام وارد خانه شود. نیم ساعتی گذشته بود و ما در راه پله مشغول صحبت بودیم که پسرم از خواب بیدار شده و شروع به گریه کرده بود به همین خاطر همسرم نیز بیدار شده و وقتی مرا در خانه ندیده بود برای پیدا کردنم به راه پله آمد. زمانی که او من را در حال صحبت با بهنام دید به قدری عصبانی شد که با هم درگیر شدند. در همین گیرودار با چاقویی که از آشپزخانه برداشته بود بهنام را زد و از خانه فرار کرد.این زن در بازجویی‌ها مدعی شد: بهنام به من گفته بود ۴ میلیون تومان به او پول بدهم تا یک اتاق اجاره کند و با هم زندگی کنیم، اما حالا فهمیدم که همه حرف‌هایش دروغ بوده و فقط قصد سوءاستفاده از من را داشته.

بازپرس عنبری درباره این پرونده به «ایران» گفت: پس از این اظهارات، زن جوان بازداشت شد اما از آنجا که قاتل هنوز دستگیر نشده است تحقیقات برای دستگیری وی و روشن شدن ابهامات موجود در پرونده ادامه دارد.

# زن همسرکش از قصاص نجات یافت

**گروه حوادث/** زن افغانستانی که به جرم قتل همسرش محکوم به قصاص شده بود با تلاش قاضی دادسرای کرج، رئیس زندان و گذشت اولیای دم به زندگی بازگشت.

حسین فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز در تشریح این خبر گفت: یک زن تبعه کشور افغانستان که سال‌ها با همسرش در ایران زندگی می‌کرد و صاحب دو فرزند خردسال بود به علت قتل همسرش محکوم به قصاص شد. این زن در سال ۱۳۹۸ پس از مشاجره لفظی و درگیری با همسرش، وی را به قتل رساند که با رسیدگی به پرونده، به قصاص نفس محکوم و پس از طی مراحل قانونی مقرر شده بود حکم صادره در ندامتگاه مرکزی کرج به مرحله اجرا دربیاید.

اولیای دم که شامل پدر و مادر مقتول بودند ابتدا اصرار بر اجرای حکم قصاص داشتند اما با تلاش‌ها و صحبت‌های انجام شده توسط قاضی اجرای احکام کیفری دادسرای کرج و رئیس زندان در نهایت پس از ساعت‌ها مذاکره، رضایت خود را نسبت به اجرا نشدن حکم اعلام کردند.

وی با بیان اینکه زن جوان بابت جنبه عمومی جرم همچنان در زندان به سر خواهد برد، گفت: نکته قابل توجه در این پرونده، تلاش‌های انسانی و مجدانه مقامات قضایی و مسئولان زندان مربوطه برای جلب رضایت و جلوگیری از قصاص بود، هر چند طرفین این پرونده از جمله زندانی اهل کشور دیگری بودند.

# کشف ۴۰ قبضه سلاح جنگی

**گروه حوادث/** مرزبانان هنگ مرزی ثلاث باباجانی ۴۰ قبضه سلاح جنگی از قاچاقچیان کشف کردند.

سردار «احمدعلی گودرزی» فرمانده مرزبانی انتظامی کشور در تشریح این خبر اظهار داشت: مرزبانان استان کرمانشاه، حین پایش و کنترل هوشمند مرزهای غرب کشور، باند بزرگ قاچاق سلاح و مهمات را در نقطه صفر مرزی مشاهده کردند و برای مقابله با قاچاقچیان، بلافاصله به اجرای کمین هدفمند پرداخته و توانستند در عملیاتی مقتدرانه باند قاچاق سلاح را در مرزهای غرب کشور متلاشی کنند.

وی با بیان اینکه قاچاقچیان کوله‌های همراه خود را رها و به سمت خاک کشور مقابل متواری شدند، اظهار داشت: مرزبانان با بررسی کوله‌های رها شده ۳۶ قبضه سلاح جنگی کلت کمری و ۴ قبضه سلاح کلاشنیکف کشف کردند و تلاش مرزبانان برای شناسایی و دستگیری متهمان این پرونده ادامه دارد.

یادداشت

# تصمیمات نادرست، بازی با امنیت روانی مردم است

سردار حسین رحیمی
رئیس پلیس پایتخت

همواره گفته و شنیده‌ایم که «امنیت، موضوعی فرابخشی است» و همه دستگاه‌ها و نهادهای اجتماعی در برقراری و حفظ امنیت براساس وظایف محوله خود مسئول هستند، اما متأسفانه این تعریف فقط در افواه بیان می‌شود اما در افهام نمی‌نشیند و اینجا است که پس از هر رخدادی انگشت اتهام به سمت پلیس به‌عنوان حافظ امنیت نشانه می‌رود، در حالی که پلیس براساس وظیفه ذاتی خود، مسئول مقابله با جرم آشکار است و هرگاه جرمی رخ دهد در صحنه حاضر شده و به انجام وظیفه می‌پردازد.

مأموران پلیس نیز در دل جامعه با تمام مشکلات اجتماعی و اقتصادی زندگی می‌کنند اما همواره در تلاش هستند با برخورد بهنگام و به دور از مناسبات فراقانونی، مقابل مجرمان حرفه‌ای و تبهکاران وقیح بایستند ولی نمی‌توانند انگیزه و نیت افراد را پیش از اقدام به جرم بخوانند یا نمی‌توان به تعداد افراد حاضر در جامعه، مأمور پلیس گماشت چراکه احتمال دارد هر فردی در شرایطی خاص، دست به اعمال مجرمانه بزند. افزایش انواع سرقت‌ها، زورگیری‌ها و خفت‌گیری‌ها آن‌هم در روز روشن، به یغما بردن اموال عمومی و در یک کلام شکننده شدن فضای امن جامعه در نخستین و مهم‌ترین حالت به خاطر مشکلات اقتصادی و فقر ناشی از بی‌برنامگی‌ها رخ می‌دهد اما در این شرایط هم همواره انگشت اتهام به سوی پلیس است.

این واقعیت را باید پذیرفت که پلیس پس از وقوع جرم وارد عمل شده و وظیفه کشف جرم را برعهده دارد و قبل از وقوع جرم مسئولیتی برای مقابله ندارد. اینکه امنیت را موضوعی فرابخشی «بدانیم» هر چند شرط لازم است اما کافی نیست و باید این مهم توسط همه نهادها و ارگان‌های اجتماعی «پذیرش» شود، چراکه در صورت پذیرش این امر، مسئولان خود را مقید می‌دانند تا به فرجام تصمیماتشان بیندیشند که تصمیم جدید اتخاذ شده تا چه حد به آستانه تحمل مردم فشار وارد می‌کند و تا چه میزان بر امنیت فیزیکی و روانی مردم تأثیر می‌گذارد؛ امنیتی که فقط قوه قهریه‌ای مانند پلیس برقرارکننده و حافظ آن باشد و در این راه چندین هزار شهید هم تقدیم نماید اما در نهایت با تصمیمات نابهنگام و بعضاً نابخردانه برخی افراد به بازیچه تبدیل شود، امنیت شکننده و سست بنیانی است.

پوشاندن حقیقت تنها پاک کردن صورت‌مسأله است. جامعه‌ای که در اکثر مواقع با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند و تنها برقراری امنیت را وظیفه پلیس می‌داند، درحالی‌که از نقش مشارکت مردمی و دیگر نهادهای اجتماعی و مسئول در این زمینه غافل است و هیچ قشری خود را موظف به اتخاذ تصمیمات و آموزش‌های درست برای رسیدن به امنیت روانی و سپس فیزیکی جامعه نمی‌داند، در مسیر رسیدن به امنیت پایدار، دچار مشکل شده و حتی عنان هنجارشکنان و مجرمان را نیز از دست می‌دهد.

کوتاه سخن آنکه، «پلیس» همواره و با تمام توان در ایجاد، حفظ و ارتقای نظم و امنیت عمومی تلاش کرده و می‌کند و مؤید این مهم نیز تقدیم شهدای گرانقدری است که در هنگامه پیکار با هنجارگریزان و قانون‌شکنان به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند اما آیا تنها تلاش پلیس به‌عنوان یک نیروی کشف کننده جرم کافی است؟ به‌طور حتم پاسخ منفی است، چراکه زمینه‌ها و دلایل بروز انواع جرایم که در حال حاضر مهم‌ترین آن موجب لطمه خوردن به امنیت عمومی شده، انواع سرقت‌ها و زورگیری‌ها و خفت‌گیری‌ها است که فراتر از وظایف پلیس است. بی‌تردید پلیس با مجرمان برخورد قهرآمیز و سلبی سختی خواهد داشت اما رها شدن زودهنگام مجرمان و بازگشت بدون تنبیه آنان به جامعه، مشکلات اقتصادی، معیشتی و اجتماعی، پایین بودن هزینه جرم، بیکاری و در نهایت عدم جامعه‌پذیری مناسب، فقط با اقدامات بازدارنده پلیس حل و فصل نمی‌شود. این اقدامات با توجه به جمیع عوامل و بسترهای رشد جرم در جامعه مانند چسب‌زخم برای فردی که دست و پای آن را قطع کرده‌اند، خواهد بود.

# سرقت های خشن با پابند الکترونیکی

**گروه حوادث/** مرد زندانی که با پابند الکترونیکی آزاد شده بود یک باند سرقت تشکیل داده و با تهدید چاقو، گوشی تلفن همراه مردم را می‌دزدید.

سرهنگ ضرغام‌آذین، سرکلانتر غرب تهران در تشریح این خبر گفت: از حدود ۲۰ روز قبل با افزایش شکایت‌های گوشی‌قاپی در سطح معابر و خیابان‌ها (منطقه ۲) روبه‌رو شدیم که شاکی‌ها اظهار داشتند گروهی ۴ نفره سوار بر موتور با دیدن تلفن همراه افراد، به آنها نزدیک شده و اموال آنان را به زور چاقو تصاحب می‌کردند.

این مقام انتظامی گفت: در چندین مورد، سارقان از پشت سر به روش خفه کردن آنان را خفت کرده و تا پای مرگ برده و گوشی‌شان را سرقت کرده بودند. با شکایت مالباختگان، این موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس پیشگیری قرار گرفت تا اینکه مأموران سارقان را در حالی که در خیابان پاتریس لومومبا به یک خانم حمله کرده و او را روی زمین انداخته بودند تا گوشی و اموالش را سرقت کنند، مشاهده کردند. سارقان به محض دیدن مأموران قصد داشتند از محل متواری شوند که در عملیات تعقیب و گریز ۲ سارق خشن دستگیر شدند.

وی تصریح کرد: سردسته این باند، جوانی ۲۴ ساله و سابقه‌دار است که چندین بار به جرم سرقت و زورگیری دستگیر شده و حدود ۳ ماه است که با پابند الکترونیکی از زندان آزاد شده بود، اما متأسفانه باز هم اقدام به سرقت و گوشی‌قاپی کرده است. این سارق خشن تاکنون، ۱۰ شاکی دارد که با تشکیل پرونده بار دیگر برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی ارجاع شد.سرکلانتر غرب تهران خاطرنشان کرد: هزینه جرم پایین است و باید مجازات‌ها افزایش یابد تا حداقل بازدارنده شوند و دیگر سارقان تکرار جرم نکنند.

حوادث جهان

# ۲۷ هندی در آتش سوختند

آتش‌سوزی در یک ساختمان تجاری چهار طبقه در حومه دهلی، جان ۲۷ هندی را گرفت.

به گزارش اسکای‌نیوز، رسانه‌های محلی هند اعلام کردند: پس از وقوع حریق در یک ساختمان تجاری در حومه دهلی، پایتخت هندوستان ۵۰ نفر از داخل ساختمان تخلیه شدند اما دست‌کم ۲۷ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۲ نفر دچار سوختگی شدند.

نیروهای آتش‌نشان با استفاده از ۲۷ خودرو آتش‌نشانی تقریباً در مدت ۵ساعت توانستند شعله‌های آتش را مهار کنند.

هنوز علت دقیق وقوع این حادثه مشخص نیست.بنا بر اعلام نیروهای آتش‌نشان دهلی، این ساختمان فاقد مجوز از اداره آتش‌نشانی بوده و به تجهیزات ایمنی مانند کپسول اطفای حریق مجهز نبوده است.